**• صاحب امتیاز:**

خبرگزاری جمهوری اسلامی

**• سرپرست مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:**  
احسان صالحی**• سردبیر:**

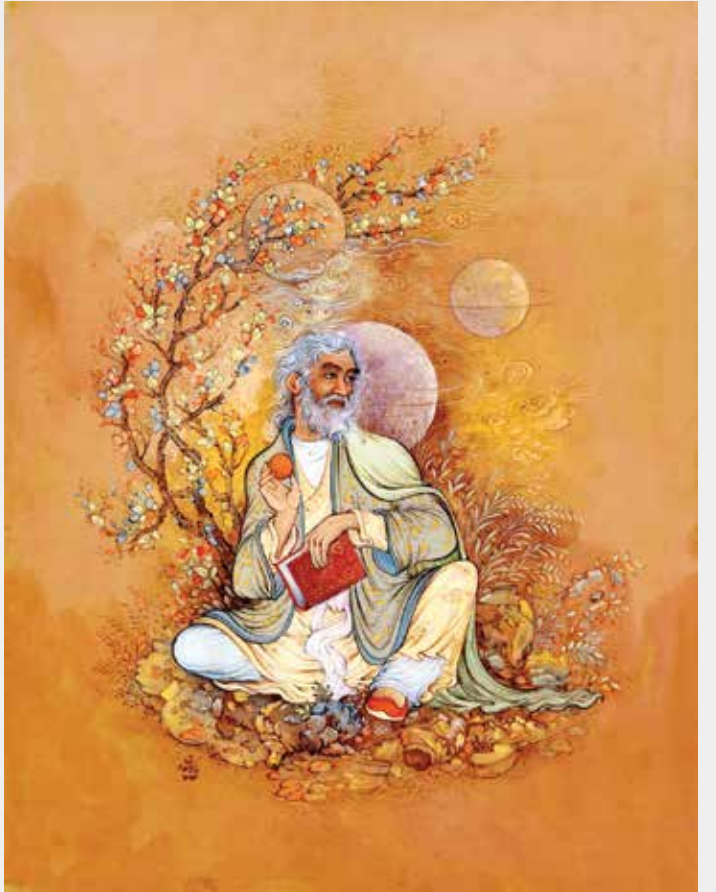
حسام‌الدین برومند

**• تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵  
**• پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸  
**• صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰  
**• چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام جم  
**• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT  
**• پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)  
**• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵**«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید****آدم ای شاه بنامم بده  
خط امامی ز کناهم بده  
ای حرمت ملجأ درماندگان  
دور مران از در و راهم بده  
لائق وصل تو که من نیستم  
ان بن به یک لحظه نگاهم بده****حبیب‌الله چایچیان  
(مختص به حسان)****امام رضا(ع):**

برترین دارایی آن است که آبرو با آن حفظ شود.

**سخن‌روز**

گزیده حکمت نامه رضوی، صفحه: ۵۲۸

**نگاره****۲۸ اردیبهشت روز بزرگداشت خیام****طراح: حسین پدرالسماء****ظرفیت**

موزه‌ها برای

آموزش و

پژوهش

محدود

نیست و برای

همین نباید

در این زمینه

خود را محدود

نمایند، بلکه

باید از همه

ظرفیت‌های

پیرامونش و

درون جامعه

برای پژوهش

و آموزش

استفاده کنند

**رضا دبیری نژاد**

موزه دار

**یادداشت****نقل قول****افتخار من کارهایی است که بازی نکردم**

سعی کردم در راهی قدم بردارم که آنچه انجام می‌دهم در زمینه مسائل فرهنگی و هنری باشد. افتخار من کارهایی است که بازی نکردم. شاید در کارهایی که بازی کردم، یکی دوکار باشد که راضی‌ام نکرده باشد اما اغلب کارها حرفی برای گفتن داشته و دارم. هرکسی در مسیر زندگی‌اش اتفاقاتی رخ می‌دهد که زندگی‌ساز آینده‌اش می‌شود. شانس آوردم به کسانی برخوردم که اهل فرهنگ بودند؛ انسان‌های والایی که همه آنها را می‌شناسند و هرکدام در جهت مسائل فرهنگ و هنر ایران بودند و از آنها یاد گرفتم.

اگر در بازیگری یاد گرفتم، از بزرگانی که با آنان کار کردم آموختم. اگر شخصیت تئاتری آموختم از آنان بوده است که نام تئاتر را جاودان کردند و تمام آنان در تاریخ تأثیر بودند. سعی کردم از آنان چیزی یاد بگیرم و به آنان و حرمتشان احترام بگذارم و خطا نکنم.

بخشی از صحبت‌های ایرج راد در مراسم بزرگداشت این هنرمند/ ایرنا

**دعوت موزه‌ها برای پژوهش و آموزش**

هر سال شورای جهانی موزه‌ها «ایکوم» یک شعار را برای سرلوحه فعالیت موزه‌ها برمی‌گزینند و اعلام می‌کند که در روز جهانی موزه‌ها به طور ویژه مورد توجه قرار می‌گیرد و موزه‌ها سعی می‌کنند بر آن تمرکز داشته باشند یا برای آن برنامه‌هایی تدارک ببینند. این شعارها معمولاً متأثر از تغییرات و گسترش موزه‌ها هستند که در تعامل با تغییرات فرهنگی اجتماعی پیرامون آن کارکردها و چشم‌اندازهای نوینی را مدنظر قرار می‌دهند یا بر قابلیت‌های موزه تأکید بیشتری می‌شود.

شعار امسال روز جهانی موزه‌ها که برابر با ۱۸ ماه مه است بر ظرفیت دانشی موزه‌ها تأکید دارد؛ ظرفیتی که برآمده از مجموعه‌های موجود در موزه‌هاست. مجموعه‌ها یا کلکسیون‌های موزه‌ای حاصل شناخت آثار از منظر علوم مختلف هستند که ابعاد مختلفی از تجربه زیسته آدمی را در خود دارند و این تجربه‌ها از منظر دانش‌ها و علوم مختلف دریچه‌های گوناگونی را می‌گشایند که داده‌های علمی و فرهنگی متعددی را در دسترس قرار می‌دهند.

از همین رو مجموعه‌ها و آثار موزه‌ای منابع دانشی محسوب می‌شوند که می‌توانند در چرخه مطالعات و مکاشفه علوم و دانش‌های مختلف قرار گیرند و هر بار دیده شدن و مذاقه در آنها می‌تواند روایت جدیدی بسازد و بر داشته‌های این آثار بیفزاید. این منبع دانشی بودن، یک ظرفیت بالقوه در آثار موزه‌ای است اما هر مطالعه پژوهشی بر آثار یک ظرفیت بالفعل است که اعتباری را برای آن اثر ساخته است و مانند یک سرمایه در آثار قرار داده است. از این منظر، آثار موزه‌ای ظرفیت بی‌پایانی در خود دارند که هر مطالعه پژوهشی داشته‌های آنها را گسترش داده و آنها را وسیع‌تر می‌سازد.

هر روایت و هر مطالعه در آثار موزه‌ای آنها را برای آموزش مهیا می‌سازد. آثار به خودی خود یک امر آموزشی نیستند بلکه اگر در چرخه آموزش قرار بگیرند دارای ظرفیت آموزشی می‌شوند، از این رو مجموعه مطالعات و شناخت‌هایی که به مثابه یک سرمایه روی آثار موزه‌ای قرار می‌گیرند آنها را دارای ظرفیتی آموزشی می‌سازند؛ در واقع داده‌هایی را فراهم می‌سازند که می‌توانند منتقل شوند و این انتقال داده‌ها همان فرایند آموزشی است، اما باید داده‌هایی موجود باشد

**سعید فلاقر**

روزنامه‌نگار

پژوهشگر هنر

**یادداشت****نرخ تاریخ**

«کج»‌های مدفون یا آنچه به عنوان مثال در قلعه سریز به «بزرگ‌ترین صندوق امانات ایران» مشهور شده، نشان می‌دهد حفظ اشیای ارزشمند و قیمتی سابقه‌های دیرینه دارد. ظروف زرین، جواهرات و حتی بعضی اسناد و مکتوبات، موضوع چنین حفاظت‌هایی بوده‌اند، اما آنچه امروزه به عنوان «موزه» می‌شناسیم مفهومی جدیدتر است. موزه‌ها مأمور حفاظت و نگهداری ارزش‌هایی فراتر از ارزش‌های مادی و اقتصادی اشیاء هستند. در سده‌های اخیر ارزش تازه‌ای برای اشیاء پیدا شده که پیش‌تر سابقه چندانی نداشت یا حداقل به این فراگیری و هویت‌محور نبود. این ارزش را می‌توان به طور خلاصه «ارزش تاریخی» نام گذاشت. تقریباً دو قرن پیش از این، اگر کفش و کوزه‌ای از زیر خاک پیدا می‌شد، از نظر یابنده به اندازه کاربردش ارزش داشت. اگر سکه‌های هزار ساله پیدا می‌شد، به اندازه وزن طلای سکه قیمت داشت، اما امروزه در حراج‌های بزرگ بین‌المللی ارقام باورنکردنی معاملات، شباهتی با ارزش‌گذاری‌های گذشته ندارد. یک جام زرین دوره هخامنشی به هزاران و میلیون‌ها برابر ارزش وزنی طلا قیمت دارد. این رویه، به آثار هنری، بقایای زیستی و... هم سرایت کرده است. این نمایش خارق‌العاده از میراث تاریخی، علاوه بر تماش و متخصصین تاریخ و... عوام را هم متوجه خود کرده است. نمایش اشیاء و ابزار قدیمی گاهی تبدیل به نشانه‌ای برای افتخار به «اصالت خانوادگی و موروثی» می‌شود. دور از ذهن نیست نیاز به چنین نمایش‌هایی، بازار خرید و فروش عتیقه را در پی داشته باشد؛ یعنی عده‌ای تلاش می‌کنند با صرف هزینه و پول، نوعی گذشته افتخارآمیز برای خود تدارک ببینند یا درک چنین مفهومی را مایه مباهات خود بدانند.

توسعه چنین معنایی از اشیاء تاریخی را باید زائیده اهمیت به تاریخ و گذشته. بخصوص پس از تحولات اجتماعی و فکری جنگ جهانی دوم، دانست: میل به نوستالژی و یادگاری‌ها یا فرار از نگرانی‌ها به تاریخ آرمانی که گاهی جذاب‌تر از آینده‌های خیالی تأمین می‌شود. از طرفی علوم جدید، چه علوم فنی و چه علوم انسانی، گذشته را تحت عنوان ذخایری از اطلاعات قابل استخراج و استفاده، به عنوان منبع مستند دانش، تجربه و... به کار گرفته‌اند. بدیهی است در این ساختمان فکری نوظهور، تاجر و منتفعین اقتصادی هم بی‌کار نخواهند ماند، به نحوی که دامن زدن به شور و هیجان حراج آثار تاریخی، منبع درآمد بزرگی برای دلالتان و سرمایه‌گذاران این متاع بی‌نظیر دور از ذهن نیست. بازارهای بزرگ هم مستعد حضور بدلیجات و آثار تقلبی یا گرانفروشی خواهند بود. قاچاق آثار تاریخی، جعل تاریخ، جعل آثار تاریخی، ارائه تعریفی غیرواقعی از ارزش‌های تاریخی، خلط مبحث قدمت به جای تاریخ و... ناگزیری برای این ولع عمومی مقابل نیازهای نوین است. نظریات همزمان این پدیده، از جمله تفکرات افراطی اومانیتستی، هم می‌توانست ابعاد جدیدی از ماجرا باشد؛ آنچنان که گسترش «عامل‌گرایی» و سلبریتی‌پروری، قیمت «آدامس جویده فرگوسن» را به چهارصد هزار پیورو می‌رساند یا معیارهایی فراتر از زیبایی‌شناسی را وارد بازار هنر می‌کند.

به عبارتی، دوره معاصر از طرفی اقبال درک مفاهیم مرتبط با گذشته و تاریخ را پیدا کرده و از طرفی دچار انواع کج‌فهمی‌ها یا سوءاستفاده‌ها در قرائت این معانی و ارزش‌ها شده است.

**نمایش اشیاء**

و ابزار قدیمی

گاهی تبدیل

به نشانه‌ای

برای افتخار

به «اصالت

خانوادگی

و موروثی»

می‌شود.

دور از ذهن

نیست نیاز

به چنین

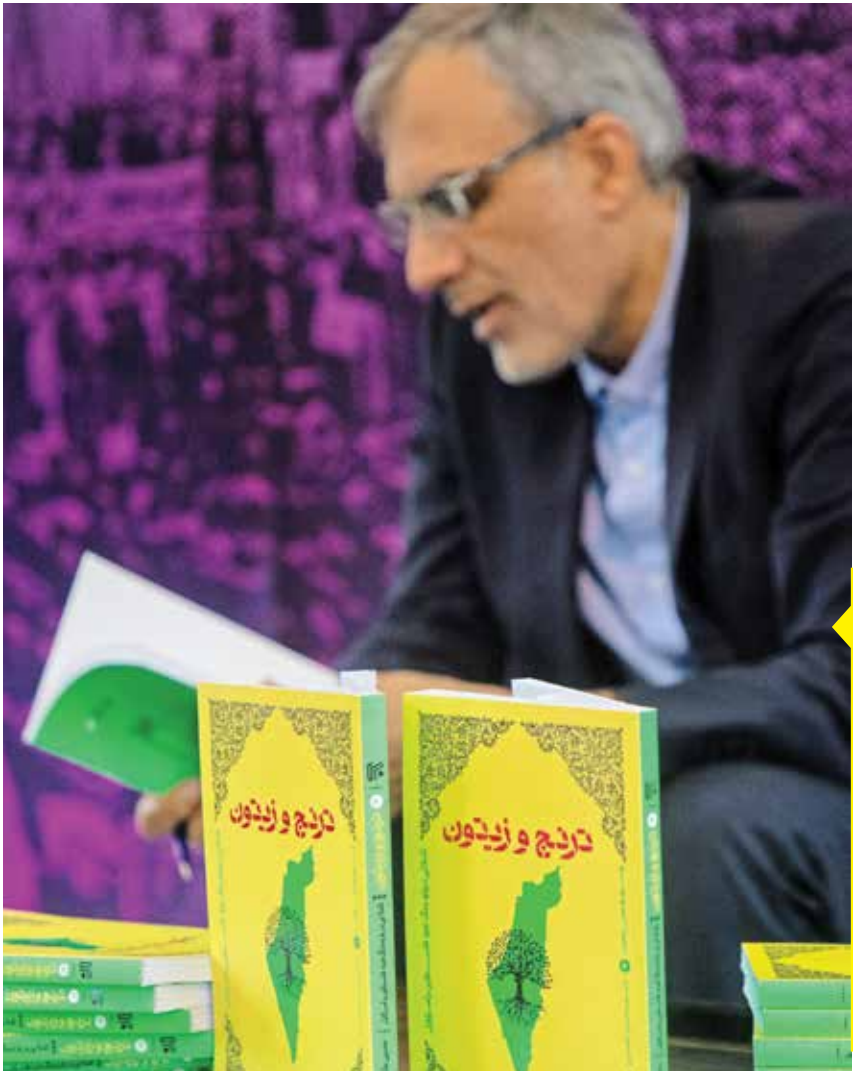
نمایش‌هایی،

بازار خرید و

فروش عتیقه

را در پی

داشته باشد

**عکس نوشت****«تrench و زیتون» عنوان کتابی به قلم حسین جاری انصاری است که به همت انتشارات ایران منتشر شده و در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفته؛ جشن امضای این کتاب که پیرامون مسأله فلسطین و عملیات طوفان الاقصی نوشته شده، در سی و پنجمین دوره برای نمایشگاه کتاب تهران برگزار شد.****• عکس: حسین نقی زاده**  
**• آژانس عکس ایران****«غربستان» به روایت تصویر**

حامد خسروشاهی با انتشار تصویری از کتاب «غربستان» به روایت عکس‌ها و شعرهای پاشا هادیان در صفحه اینستاگرامش در شرح آن نوشته است: «عکاسی که شاعری هم بلد است، به قبرستان‌ها رفته و در میانه مرگ، از زندگی سخن گفته. هم با عکس و هم با شعر. آنگذر دیدش وسیع بوده که شعرهای آزاد کوتاه خود را به عربی و انگلیسی ترجمه کرده و کتاب شده سه‌زبانه. طبیعی است که مرگ و حیات یک حس مشترک بین همه آدم‌هاست، با هر زبانی و هر آیینی. کاری نو و خلاقانه از پاشا هادیان (آزاد).»

**نه وقت طعنه و کنایه است، نه مجال عقده‌گشایی**

حامد سلطانی تصویری از شهر مشهد منتشر کرده و با توجه به سیل اخیر در این شهر، نوشته است: «شهر دوست‌داشتمی من! دلمان ریش می‌شود از دیدن زخم روی پیشانی‌ات؛ مباد غم، مباد رنج، مباد حسرت... زمان، زمان همدلی است برای گذر از کودی آب‌وکل گرفته کوچه‌پس کوچه‌ها و خیابان‌هایت و حالا، وسط این بحران، وسط اخبار و آمار و احتمالاتی که دل‌ضعفه می‌آورد برای هر کسی که نگران مشهد است، دارم فکرمی‌کنم... به مردمی که همسایه‌های امام مولود این ایامند و باید به شادی و چراغانی و شربت و شیرینی، کاشان شیرین باشد ولی تلخ کامیشان از حادثه‌های قابل پیش‌بینی کام همه را تلخ کرده!»

کاش آن زمان که کسانی برای تکیه‌زدن بر کرسی‌های مهم تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری شهر، از هیچ تلاشی فروگذار نکردند، کاش آن روزی که سیاسی‌بازی‌ها جای تخصص‌گرایی را گرفت، کاش آن وقتی که قهر و آشتی‌ها و سناریوسازی‌ها، مهم‌ترین جلسات تصمیم‌گیری برای این شهر را به تعطیلی می‌کشاند، کاش آن موقعی که خواباندن مچ فلان رقیب و خفه کردن فلان منتقد بر هر دغدغه‌ای اولی بود، کاش آنجا که حفظ منافع و دیوارکشی بر املاک و افکار و حدود قلمرو بر هر محاسبه‌ای مقدم بود، لاقال کسی پیدا می‌شد که علاج واقعه قبل از وقوع را متذکر میشد، اقدام پیشکش... نه وقت طعنه و کنایه است، نه مجال عقده‌گشایی! اما بد است که خو کرده‌ایم به ژولوف‌ها، نواف‌ها و استامینوف‌ها به جای ریشه‌یابی درد...»

**مهران غفوریان با «آبی روشن» می‌آید**

مهران غفوریان بازیگر نام‌آشنای ایران از کارجدیدش در فیلم سینمایی «آبی روشن» خبر داده و آن را در صفحه اینستاگرامش استوری کرده است. در توضیح این خبر آمده: «پروانه نمایش فیلم سینمایی «آبی روشن» به کارگردانی بابک خواجه پاشا و تهیه‌کنندگی محمد حسین میری صادر شد و بزودی در سینماهای سراسر کشور اکران خواهد شد.

مهران احمدی، مهران غفوریان، سارا حاتمی، مرتضی امینی تبار، روح‌الله زمانی، علی‌اکبر اسانلو، کاظم هژیر آزاد، سامان مهکویه و دیگر بازیگران در این فیلم سینمایی به ایفای نقش می‌پردازند. «آبی روشن» محصول مشترک سازمان هنری رسانه‌ای اوج، بنیاد سینمایی فارابی و بنیاد بین‌المللی امام رضا(ع) است که فیلمنامه آن را امیر ابیلی و داوود گنجوی نوشته‌اند.

**از قافیه چه بیاموزیم؟**

اسماعیل امینی با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش از چاپ دوم و سوم دو اثرش با عنوان «قافیه بیاموزیم» و «وزن شعر بیاموزیم» خبر داد که از سوی انتشارات انیام منتشر شده است. «قافیه بیاموزیم» به نویسندگی اسماعیل امینی، آموزش قافیه به زبان ساده در ۲۰ کام است.

در بخشی از این کتاب آمده: «در این کتاب می‌خواهیم قافیه را بیاموزیم، نه اینکه بخواهیم مباحث تخصصی و اصطلاحات قدیم و جدید قافیه را پشت سر هم ردیف و حفظ کنیم. می‌خواهیم به زبان ساده و با چند تمرین ساده، قافیه‌ساختن را یاد بگیریم و در ساختن قافیه مهارت پیدا کنیم. همچنین بتوانیم خطاهای رایج در ساختن قافیه را تشخیص دهیم.» این کتاب مناسب دوستداران شعر و کسانی است که دوست دارند شعر بنویسند و در شعرشان از زیبایی‌های قافیه استفاده کنند. بنابراین مباحث این کتاب برای دانش‌جویمان و متخصصان ادبیات، چندان مناسب نیست.

